

The Necessity of Critical Correction of Sharafuddin Maneri's Maktubat-e-Sadi

Mohamad sadegh Khatami

Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Letterse and Humanities,
Ferdowsi University, Mashhad, Iran, m.s.khatami92@gmail.com

Salman Saket*

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Letterse and Humanities,
Ferdowsi University, Mashhad, Iran, saket@ferdowsi.um.ac.ir

Seyed javad Mortezaie

Associate Professor Department of Persian Language and Literature, Faculty of Letterse and Humanities,
Ferdowsi University, Mashhad, Iran, gmortezaie@um.ac.ir

Abolghasem Ghavam

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Letterse and Humanities,
Ferdowsi University, Mashhad, Iran, ghavam@ferdowsi.um.ac.ir

Abstract

In present article, first, Maktubat-e-Sadi as the most important Persian work of Sharafuddin Maneri (1263-1381 AD), the most famous leader of 'Kubrawiyya Ferdowsiyeh' tribe in India, is introduced. This work was developed by his fellow named Zeyn Badr Arabi. Then, samples of important and controversial differences between stone print and the ancient version of Maktubat-e-Sadi are proposed in order to determine the need for the critical correction of this work. The results indicated that, based on the "antiquity" and "significance" of Maktubat-e-Sadi and due to the "plurality" of the manuscripts of this work, there are some mistakes made by writers which are referred to in this study. Due to the fact that each of the stone prints has important differences with the old versions of the book in the recording of words and phrases, it is necessary to correct this work in order to achieve a close text similar to what Sharafuddin Maneri has written.

Keywords: Sufism in India, Kubrawiyya Ferdowsiyeh Order, Maktubat-e-Sadi, Sharafuddin Maneri, Critical Correction

* Corresponding author

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و پنجم، دوره جدید، سال یازدهم
شماره اول (پیاپی ۴۱)، بهار ۱۳۹۸، صص ۵۶-۳۷
تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۳

ضرورت تصحیح انتقادی مکتوباتِ صدی از شرف‌الدین منیری

محمدصادق خاتمی* - سلمان ساکت** - سید جواد مرتضایی*** - ابوالقاسم قوام****

چکیده

شرف‌الدین منیری (۹۶۶۱-۷۸۲ ق) مشهورترین شیخ طریقه کبرویه فردوسیة در هند است. مکتوباتِ صدی مهم‌ترین اثر فارسی اوست که یکی از مریدان خاصش به نام زین بدر عربی آن را تدوین کرد. در این نوشتار پس از معرفی این اثر، نمونه‌هایی از اختلافات مهم و تأمل‌برانگیز چاپ‌های سنگی با نسخه‌های کهن مکتوباتِ صدی بیان می‌شود تا خوانندگان ضرورت تصحیح انتقادی این اثر را دریابند. سبب تصحیح مکتوباتِ صدی افزون‌بر قدمت و اهمیت آن، بسیاری دست‌نویس‌های این اثر است که تصرفات و لغزش‌های کاتبان را نیز به همراه داشته است و در این مقاله به برخی از آنها اشاره می‌شود؛ همچنین هریک از چاپ‌های سنگی با یکدیگر و نیز با نسخه‌های کهن کتاب، اختلافات مهم و تأمل‌برانگیزی در ضبط واژه‌ها و عبارت‌ها دارد و به همین سبب برای دستیابی به متنی منقح و نزدیک به آنچه شیخ منیری نوشته، تصحیح این اثر بایسته و ضروری است.

واژه‌های کلیدی

تصوف در هند؛ طریقه کبرویه فردوسیة؛ مکتوباتِ صدی؛ شرف‌الدین منیری؛ تصحیح انتقادی

۱- مقدمه

از جمله وسیله‌های تعلیم و تربیت در میان صوفیة ایران، مکاتبه با استادان و دوستان و مریدان است که پیشینه‌ای طولانی نیز دارد. مکاتیب عارفانی مانند سنایی و امام محمد غزالی و عین‌القضات و احمد غزالی و مولانا از نمونه‌های برجسته آن است؛ اما در حوزه تصوف شبه‌قاره، مکتوبات را باید یک زیرگونه (ساب‌ژانر) ادبی به شمار آورد که حجم بسیاری از

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران s.khatami92@gmail.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران (نویسنده مسئول) saket@ferdowsi.um.ac.ir

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران gmortezaie@um.ac.ir

**** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران ghavam@ferdowsi.um.ac.ir

آثار صوفیه آن دیار را به خود اختصاص داده است. در واقع بسیاری از تعالیم مشایخ آن سامان با همین نامه‌ها به مریدان منتقل می‌شده است.

یکی از نویسندگان صوفیه در حوزه شبه‌قاره، شیخ شرف‌الدین مَنیری، پرتألیف‌ترین شیخ طریقه کبرویه فردوسی، است. افزون بر آثار متعدد، سه مجموعه مکتوب، برابر با سیصد و بیست و هشت نامه، نیز از او باقی مانده است. به گواهی منابع، مکتوبات صدی مهم‌ترین آن مجموعه‌ها و برجسته‌ترین اثر صوفیانه اوست. این نوشتار بر آن است تا پس از معرفی کوتاه مکتوبات صدی، با بررسی پنج چاپ سنگی از این اثر و مقایسه آنها با نسخه‌های کهن مکتوبات، کاستی‌ها و اشکالات این چاپ‌ها را نشان دهد و ضرورت تصحیح انتقادی مکتوبات صدی را آشکار کند.

۱-۱ بیان مسئله و پرسش‌های پژوهش

مکتوبات صدی به صورت‌های گوناگون و بارها در شبه‌قاره به صورت چاپ سنگی منتشر شده است؛ اما اینگونه چاپ‌ها هر یک با یکدیگر و نیز با نسخه‌های کهن این اثر، اختلافات مهمی در ضبط واژه‌ها و عبارات دارد. همچنین افزوده‌هایی به چاپ‌های سنگی راه یافته است و تحریفات و تصحیفات بسیاری در آنها مشاهده می‌شود که نتیجه رونویسی چاپ‌های سنگی از نسخه‌های متأخر مکتوبات صدی است؛ همین عوامل ضرورت تصحیح انتقادی این اثر را بیشتر آشکار می‌کند. نگارندگان در این نوشتار می‌کوشند با بررسی علمی این دو مسئله، به سه پرسش زیر پاسخ دهند:

(۱) چرا تصحیح انتقادی مکتوبات صدی ضرورت دارد؟

(۲) افزوده‌ها در چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی در چه رده‌هایی دسته‌بندی می‌شود؟

(۳) اختلافات مهم نسخه‌های کهن مکتوبات صدی با چاپ‌های سنگی به چند دسته تقسیم می‌شود؟

۲-۱ اهداف و ضرورت پژوهش

ارزش و اهمیت آثار فارسی باقی‌مانده در شبه‌قاره را باید در آمیختگی تصوف با زبان پارسی جست‌وجو کرد. بدون مبالغه می‌توان گفت زبان فارسی زبان عرفان اسلامی و پیشتر زبان گسترش اسلام در شبه‌قاره بوده است و همین موضوع ضرورت توجه به احیای این آثار را دوچندان می‌کند. درباره اهمیت این کتاب و ضرورت تصحیح آن به نکته‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

(۱) نخستین ضرورت تصحیح انتقادی مکتوبات صدی را باید در پدیدآورنده اثر، شیخ منیری جست‌وجو کرد. سزاوار است درباره او، در جایگاه یکی از مشایخ بزرگ صوفیه در هند، مطالعات دقیقی انجام شود. مکتوبات صدی مهم‌ترین اثر تعلیمی و پارسی شیخ شرف‌الدین - پرتألیف‌ترین و اثرگذارترین شیخ طریقه فردوسی - و نیز یکی از بنیادی‌ترین آثار در حوزه تصوف شبه‌قاره است. با تأمل در این اثر به دیدگاه‌های صوفیانه شیخ منیری و شیوه سیر و سلوک او و رفتارش با بزرگان و مریدان می‌توان پی برد. در واقع شیخ با ارسال این نامه‌ها ساختار و خطوط اصلی طریقه صوفیانه خود را گسترش می‌داده است. همچنان‌که از مکتوبات صدی، مرام‌نامه طریقه فردوسی و نیز تأثیر میراث کبرویه بر این طریقه دریافت می‌شود؛ این ویژگی، اهمیت تصحیح و تحقیق درباره آن را دوچندان می‌کند.

(۲) مهم‌ترین ضرورت تصحیح این اثر در مکتوبات صوفیانه مشایخ هند به زبان پارسی است که می‌توان آنها را رساله‌های تعلیمی مشایخ خواند. گویا پیران صوفیه این آثار را به مریدان ویژه خود می‌نگاشتند؛ اما مخاطب واقعی این مکتوبات، عموم مردم بود. در واقع آنان با این روش، عقاید و تعالیم خود را که در نامه‌ها بازتاب یافته بود، بین مریدان پراکنده می‌کردند.

۳) ضبط سخنان و کلمات مشایخ خراسان و بغداد و حکایات و اخبار آنان و نیز برخی از معاشران شیخ و معاصران او در این کتاب، علت دیگری است که توجه به این اثر را افزون می‌کند. شیخ منیری به سبب منسوب بودن به طریقه کبرویه فردوسی، از گفتار مشایخ این سلسله به میزان درخور توجهی بهره برده است. در واقع پس از آیات و روایات، سخنان بزرگان عرفان و حکایات صوفیه بیشترین فراوانی را در هر نامه دارد و گویا شیخ منیری در جای جای هر مکتوب، نظر پیران خراسان و بغداد را جلوه‌گر می‌کند.

۴) وسعت دایره واژگان و ویژگی‌های نثر کهن در این کتاب به اندازه‌ای است که برای بررسی گونه‌های زبان فارسی در حوزه زیستگاه نویسنده و عصر او بسیار مفید و سودمند خواهد بود. همچنین تصحیح مکتوباتِ صدی بی‌تردید برای پژوهشگرانی مفید است که درباره متون صوفیانه و سبک نگارش مکتوبات و نکات دستوری و نگارشی و نیز آیین نامه‌نگاری و شیوه آن پژوهش می‌کنند.

۳-۱ روش تفصیلی پژوهش

پژوهش در این نوشتار، به روش توصیفی - تحلیلی است. محور منابع در مرتبه نخست، نسخه‌های کهن مکتوباتِ صدی و چاپ‌های سنگی این اثر است که شواهد لازم از آنها فراهم شد. در بخش دوم مقاله، یعنی تبیین ضرورت تصحیح انتقادی مکتوباتِ صدی، به کمک دیگر منابع مرتبط، این داده‌ها ارزیابی و تجزیه و تحلیل شده است.

۴-۱ پیشینه پژوهش

درباره موضوع این نوشتار، پیشتر پژوهشگر پاکستانی با نام سید مطیع‌الامام (۱۳۷۲ ش) کتابی محققانه با عنوان شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری و سهم او در نثر متصوفانه فارسی نگاشته است. مؤلف با استفاده از منابع خطی و چاپی به بیان تاریخ زندگانی خاندان شرف‌الدین و آثار شیخ منیری و تحلیل آنها پرداخته و سپس پیشینه نثر صوفیانه و نثر شیخ و ویژگی‌های آن را بررسی کرده است. البته مطیع‌الامام به سبب معرفی همه آثار شیخ و مجال اندک کتاب، مکتوباتِ صدی و نیز برخی از نسخه‌های این اثر را به طور فشرده معرفی کرده است.

افزون بر اشارات تذکره‌نویسان، در دانشنامه ادب فارسی نیز شرح احوال این عارف باتکیه بر منابع بسیار آمده است (رک: حاجتی، ۱۳۸۰: ۱۵۰۸-۱۵۰۹). البته او شیخ را عارف چشتی شبه‌قاره دانسته است (همان: ۱۵۰۸)؛ اما به گواه منابع، شیخ به طریقه کبرویه فردوسی منتسب بوده است. از سوی دیگر، نزدیک به نیمی از آن مدخل، توصیف آثار شیخ و برشمردن برخی از نسخه‌های موجود آنهاست.

دیران (۱۳۸۵) نیز در نوشتاری با عنوان «پژوهشی در مکتوبات شرف‌الدین منیری»، پس از شرح مختصری درباره احوال و آثار شرف‌الدین به بررسی و تحلیل مکتوباتِ صدی از جنبه ادبی و محتوایی پرداخته و نمونه‌هایی از چند مکتوب ارائه کرده است. البته در برخی بخش‌ها مانند زمان نگارش این مکتوبات (همان: ۵۰-۵۱) و نیز برشمردن عنوان‌های مکتوبات و ذکر تنها هشتاد و چهار مکتوب و آن هم با ترتیبی متفاوت با نسخه‌های کهن مکتوباتِ صدی (همان: ۵۳-۵۴)، سهوا و لغزش‌هایی به مقاله ایشان راه یافته است.

به‌طور کلی در همه منابعی که از شیخ منیری ذکری به میان آمده، تنها به شرح احوال او پرداخته شده است. البته گاهی بعضی مآخذ به نقدی سطحی از آثار و از جمله مکتوباتِ صدی او بسنده کرده‌اند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت با وجود این کوشش‌های سودمند، تاکنون پژوهش مستقلی در باب مکتوباتِ صدی انجام نشده است. همچنین همه پژوهش‌های انجام‌شده درباره مکتوباتِ صدی بر بنیاد چاپ‌های سنگی این اثر است که هر یک با یکدیگر اختلافات

مهمی دارد. گفتنی است یکی از نگارندگان این مقاله به تصحیح مکتوبات صدی برپایه هفت نسخه کهن و چهار چاپ سنگی پرداخته است و به‌زودی متنی منقح از آن عرضه خواهد کرد.

۲- بحث و بررسی

۱-۲ مختصری در شرح احوال شیخ منیری

شیخ‌الاسلام احمد بن یحیی بن اسرائیل بن محمد الهاشمی المنیری (حسنی، ۱۳۵۰ ق: ۸)، ملقب به شرف‌الدین و منسوب به منیر، از صوفیان بزرگ شبه‌قاره هند در سده هفتم و هشتم هجری است. او در روزگار سلطان ناصرالدین محمود (حک: ۶۴۴-۶۶۴ ق) در قریه منیر هندوستان - شهری در استان بهار کنونی، واقع در شرق هند - زاده شد.

شیخ منیری از کودکی علوم ادبی و لغت را فراگرفت و تحصیل علوم دینی را از نوجوانی آغاز کرد. او سپس به همراه شیخ شرف‌الدین توأمه (متوفی ۷۰۰ ق)، عالم معروف زمان خویش در دهلی، برای ادامه تحصیلات به شهر سنارگاؤن رفت و علوم مختلف دینی را فراگرفت. در آنجا با دختر مولانا توأمه ازدواج کرد. شرف‌الدین در سال ۶۹۰ هجری به منیر بازگشت؛ اما پس از چندی در روزگار سلطان جلال‌الدین فیروز خلجی (۶۸۹-۶۹۵ ق) به همراه برادر بزرگ خود (شیخ جلیل‌الدین) در جستجوی مرشدی روحانی، راهی دهلی شد.

در این سفر، نخست به خدمت نظام‌الدین اولیا (متوفی ۷۲۵ ق) و سپس در پانی‌پت به خدمت شرف‌الدین پانی‌پتی، معروف به بوعلی قلندر (متوفی ۷۲۴ ق)، رسید؛ اما گویا میان آنان رابطه ارادتی پیش نیامد. شیخ منیری وقتی به حضور خواجه نجیب‌الدین فردوسی (متوفی ۷۳۲ ق) راه یافت، دست ارادت به خواجه نجیب داد؛ خواجه نیز وصیت‌نامه و خرقة خلافت به شیخ داد و روش طریقت را به شرف‌الدین تلقین کرد. به این ترتیب شیخ در جرگه پیروان طریقه فردوسی درآمد.

شرف‌الدین پس از مدتی با اجازه مرشد خود از دهلی راهی زادگاه خود، منیر شد. هنگامی که در راه به دهکده بهار رسید، به سبب جذباتی که به او دست داده بود، به جنگل بیهیا رفت و در آنجا پنهان شد. او پنهانی به مدت سی سال در جنگل بیهیا و جنگل راجگیر به عبادت و ریاضت سرگرم بود. وقتی خبر وجود شیخ در جنگل راجگیر به مردم بهار رسید، مولانا نظام‌الدین مدنی، از معتقدان او، برای یافتن او به آن جنگل رفت. پس از رفت و آمدهای پی‌درپی معتقدان، شیخ بر آن شد تا خود در روزهای آدینه به مسجد جمعه بهار رود و به ارشاد آنان پردازد. شیخ منیری حدود ده سال به این رفت و آمدها ادامه داد. سرانجام در حدود سال ۷۳۱ قمری به خواهش یارانش در شهر بهار ماندگار شد. هنگامی که آوازه مقام عرفانی شیخ به سلطان محمد بن تغلق (حک: ۷۲۵-۷۵۲ ق)، حاکم وقت دهلی رسید، به کارگزار خود فرمان داد برای تدریس شیخ، خانقاهی بسازد و قریه راجگیر را وظیفه فقرای خانقاه قرار دهد (فردوسی، ۱۳۱۳ ق / ۱۸۹۵ م: ۱۳۴). آثار شیخ و از جمله مکتوبات صدی که درباره آن سخن خواهیم گفت، نتیجه همین روزهاست.

۲-۲ آثار شیخ منیری

تصنیفات منیری در جایگاه یکی از مدرسان تصوف، ابزاری تعلیمی برای هدایت مریدان به شمار می‌رود. شیخ نزدیک به نیم قرن به تألیف و تصنیف دست یازید و آثاری ارزشمند پدید آورد که به‌طور کلی می‌توان آنها را به چهار بخش «ترجمه و شرح» و «رسایل» و «ملفوظات» و «مکتوبات» تقسیم کرد (برای اطلاع بیشتر درباره آثار شیخ: نک: مطیع‌الامام، ۱۳۷۲: ۱۶۳-۲۱۲).

۲-۲-۱ مکتوبات

مکتوبات شیخ سبید و بیست و هشت نامه با مطالب عرفانی و توصیه‌های دینی و اخلاقی است که خطاب به مریدان نوشته شده و در سه مجموعه ترتیب یافته است:

۱) مکتوباتِ صدی (صد مکتوب): گردآورده زین بدر عربی (سال ۷۴۷ ق)؛

۲) دویست و چند مکتوب (مکتوبات دو صدی): فراهم آورده اشرف بن رکن (سال ۷۶۹ ق)؛

۳) مکتوباتِ بیست و هشت (مکتوبات جوابی): گردآورده حسین بن معز بلخی (سال ۸۰۳ ق)؛

فوائد رکنی اثر دیگری از شیخ شرف‌الدین و خلاصه و منتخبی از مکتوبات سه‌گانه پیشین است که پس از سال ۷۶۹ هجری - که تاریخ تدوین مکتوبات دو صدی است - به خواست یکی از مریدان شیخ با نام حاجی رکن‌الدین زائرالحریمین انتخاب شد؛ بنابراین آن را نمی‌توان مجموعه‌ای مستقل از مکتوبات شیخ دانست.

نفیسی هنگام معرفی شیخ منیری می‌نویسد: «مکاتیب خود را بیشتر به حاج رکن‌الدین نام از مریدان خود نوشته و به همین جهت آن را فوائد رکنی نام گذاشته» (۱۳۴۴: ۷۷۶). این سخن نفیسی سهوی آشکار است؛ زیرا شیخ هیچ‌گاه به این مرید مکتوبی ننوشته است.

۲-۲-۲ مکتوبات صدی: مؤلف و گردآورنده مکتوبات صدی و تاریخ تألیف و گردآوری آن

مکتوبات صدی، مهم‌ترین اثر منشور صوفیانه شیخ است. این اثر صد نامه را در بر می‌گیرد و در ماه‌های سال ۷۴۷ هجری بنابر تقاضای یکی از مریدان خاص شیخ به نام قاضی شمس‌الدین نوشته شده است. او حاکم یکی از روستاهای اطراف منیر و از دیوانیان چوسای بهار بود که مشاغل رسمی حکومت، او را از حضور در مجالس شیخ باز می‌داشت. شیخ پرسش‌های قاضی را با نثر فصیح و عالمانه پارسی و لطف و دقتی ویژه پاسخ گفته و سپس یکی از مریدان خاص شیخ به نام زین بدر عربی آنها را تدوین کرده است.

مطیع‌الامام تاریخ تدوین مکتوبات صدی را «۷۴۷ هجری» (۱۳۷۲: ۱۷۳) می‌داند؛ اما به نظر می‌رسد زین بدر عربی این کتاب را پس از این سال گردآوری کرده است؛ زیرا زین بدر در دیباچه مکتوبات صدی می‌گوید: «... در شهر سنهٔ سبع و اربعین و سبعمائه در قصبه مذکوره به رسایل مذکور فرستادن فرمود و این مجموعه، خدمتکاران و خادمانی که در آن محل حاضر بودند، از آن مکتوبات استنساخ کردند و بر این ترتیب مرتب گردانیده...» (نسخه 93701 کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر، ۱۰۴۱ ق: ۱ پ). بنابراین نخست، مریدان قاضی شمس‌الدین از این مکتوبات نسخه برمی‌داشتند و سپس زین بدر پس از سال ۷۴۷ هجری و به گمان بسیار در سال ۷۴۸ هجری، آن نامه‌ها را با نوشتن دیباچه‌ای عالمانه به صورت کتابی مستقل فراهم آورده است.

گفتمنی است دبیران در مقاله خود، زمان نگارش مکتوبات صدی را به اشتباه در حدود سال‌های ۷۴۱ تا ۷۴۷ هجری دانسته است (۱۳۸۵: ۵۱). در الذریعه نیز سال ارسال نامه‌ها، ۷۹۴ هجری نوشته شده (طهرانی، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۷۸ م، ج ۲: ۱۴۲) که به گمان بسیار اشتباه چاپی است و مراد، سال ۷۴۹ هجری بوده است. در نسخه شماره ۲۶۱۷ دانشگاه تهران نیز زمان ارسال نامه‌ها، سال ۷۴۹ هجری، یعنی «شهر سنهٔ تسع و اربعین و سبعمائه» ثبت شده (سده ۱۱ ق: ۲ر)؛ اما در دیگر نسخه‌ها و چاپ‌های سنگی در دسترس نگارندگان، نگارش مکتوبات صدی در سال ۷۴۷ هجری، یعنی «شهر سنهٔ سبع و اربعین و سبعمائه» (نسخه 93701 کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر، ۱۰۴۱ ق: ۱ پ) آمده است.

ذکر این نکته بایسته است که شاید تصحیف «سبع» و «تسع» به یکدیگر باعث شده است که منزوی سال تألیف صد

مکتوب را در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۷۴۹ هجری (منزوی، ۱۳۴۹: ۱۴۳۶)، در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، ۷۴۷ هجری (همان، ۱۳۵۷: ۸۲۴) و در فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ۷۴۷ هجری یا ۷۴۹ هجری (همان، ۱۳۶۳: ۲۰۱۲) ذکر کند. باتوجه به نسخه‌هایی که نگارندگان از سده هشتم تا یازدهم فراهم آوردند، می‌توان دریافت همه دست‌نویس‌های کهن کتاب از ابتدا و دیباچه اثر - که زمان تألیف صد مکتوب در آن آمده است - افتادگی دارد. این دست‌نویس‌ها در سده‌های هشتم و نهم کتابت شده و در شمار اقدم نسخ این اثر است؛ حتی یکی از آنها به تاریخ سده هشتم هجری و نسخه اساس تصحیح است. تاریخ تألیف فقط در نسخه شماره ۲۶۱۷ کتابخانه دانشگاه تهران (مورخ سده ۱۱ ق)، سال ۷۴۹ هجری آمده است؛ البته در نسخه ۹۳۷۰۱ کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر (مورخ ۱۰۴۱ ق) و نیز چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی، سال تألیف ۷۴۷ هجری است؛ از این رو می‌توان گمان برد که شاید سال تألیف اثر، ۷۴۷ هجری باشد. این ادعا آنجا قوت می‌یابد که مطیع‌الامام در کتاب خود، سال گردآوری صد مکتوب را ۷۴۷ هجری نوشته است (مطیع‌الامام، ۱۳۷۲: ۱۷۳). مطیع‌الامام دو بار به هندوستان سفر کرده و از کتابخانه‌های شخصی و ملی در شهرهای پتنه و بهار و قریه منیر بهره برده است؛ همچنین از بیست و چهار نسخه خطی تألیفات و ملفوظات شیخ منیری، مشتمل بر ۱۳۵۰ برگ، عکس برداری کرده است (رک: ۱۳۷۲: ۲). با این حال، نگارندگان تا امروز برای اثبات این سخن که سال تألیف مکتوبات صدی، ۷۴۷ یا ۷۴۹ هجری است، دلیلی محکم در دست ندارند.

۲-۲-۳ ساختار اثر

مکتوبات صدی چنانکه از نام آن پیداست، صد نامه است که با دیباچه‌ای از زین بدر عربی، جمع‌کننده این اثر، در سبب گردآوری کتاب آغاز می‌شود و با نامه صدم به پایان می‌رسد. حجم نامه‌ها به فراخور موضوع آنها متغیر است. برخی از آنها مانند مکتوب صدم در بهشت (منیری، ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق، ج ۲: ۲۰۵-۲۱۵) به سبب اهمیت موضوع، حجم بسیاری دارد و برخی مانند مکتوب شانزدهم در سالک و مجذوب (همان، ج ۱: ۵۵-۵۶)، دارای حجم اندکی است. عنوان هر نامه، به‌زیبایی محتوای آن را بازتاب می‌دهد و شاید گردآورنده مکتوبات، زین بدر عربی، این عنوان‌ها را متناسب با محتوای هر نامه انتخاب کرده است.

گفتنی است گاهی ترتیب و تعداد صد مکتوب در برخی دست‌نویس‌های متأخر، پریشان شده است. برای نمونه دست‌نویس ۱۷۵۸۶ کتابخانه مجلس از مکتوب سی‌ام تا نیمه‌های مکتوب نود و ششم را در بر دارد؛ اما چند نامه در این دست‌نویس با ترتیبی متفاوت با نسخه‌های کهن آمده است؛ مثلاً در همه نسخه‌ها و چاپ‌های سنگی، مکتوب سی‌ام «در طهارت به عبارت دیگر» و مکتوب سی و یکم «در نیت» است (رک: منیری، ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق، ج ۱: ۵)، حال آنکه نامه ابتدای این دست‌نویس، «مکتوب سی‌ام در نیت» است (رک: بی تا [احتمالاً سده ۹ ق: ار] و در اواخر نسخه، «مکتوب سی‌ام در طهارت به عبارتی دیگر» به صورت درست آمده است (رک: همان: ۱۶۴).

همچنین در باب ساختار کتاب باید به تکرارکردن عنوان یک مکتوب برای مخاطبان اثر اشاره کرد. گاهی مکتوب‌های پی‌درپی، عنوان‌هایی همانند هم دارد؛ مانند مکتوب بیست و نهم با عنوان «در طهارت» که مکتوب سی‌ام با عنوان «در طهارت به عبارتی دیگر» بلافاصله پس از آن آمده است. این ویژگی در نامه‌های قاضی همدان نیز دیده می‌شود؛ مانند نامه‌های اول تا نهم قاضی که «در باب نیت» نوشته شده است (رک: عین‌القضات، ۱۳۶۲: ۱-۷۷). در دیگر مکتوبات شیخ نیز می‌توان این پیوستگی نامه‌ها به یکدیگر با موضوعی واحد را دید؛ مانند نامه‌های «سی و هشت» و «سی و نه»، «پنجاه و شش» و «پنجاه و هفت»، «شصت و یک» و «شصت و دو».

۲-۲-۴ محتوای اثر

مضامین مکتوباتِ صدی بیشتر، عرفانی و دینی و اخلاقی است و شامل دستور و ارشادهای شیخ منیری است که مسائل علمی و پیچیده تصوف را با زبان ساده و عباراتی متناسب با اشخاص متوسط شرح داده است. گستردگی اطلاعات شیخ در اقسام علوم دینی، از فقه و حدیث تا کلام و عرفان و استفاده بسیار شیخ از آیات و احادیث و اشعار سخنوران ایران و شبه‌قاره، همراه با قدرت بیان و استدلال، در این نامه‌ها دیده می‌شود. صاحب شرفنامه منیری یا فرهنگ / براهیمی (تألیف ۸۷۸ ق) این مطلب را اینگونه بیان می‌کند:

ز حق پارسی گر بُبی آمدی مکاتیبش الحق همی آمدی
مکاتیب او کان ایمان شمر بود منکر او ز کافر بتر
(فاروقی، ۱۳۸۵: ۷)

به‌طورکلی در نثر فارسی دوره اسلامی با دو گونه مکاتبات روبه‌رو هستیم: «مکاتبات رسمی و اداری» و «مکاتبات شخصی و خصوصی یا «اخوانیات»». هرکدام از آنها زیرمجموعه‌های ویژه خود را دارد (رک: رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۲۰۸). شیخ این صد مکتوب را به یکی از مریدان خود نوشت؛ اما هیچ‌یک از آنها در شمار مکاتیب عادی اخوانی نیست و همه نامه‌ها در بیان حقایق معنوی و مبانی اعتقادات صوفیه است. نکته مهم‌تر آنکه برخی از مکتوبات شیخ که کمابیش درباره موضوعی واحد هستند، به هم مربوط‌اند و یکدیگر را در آن موضوع کامل می‌کنند؛ مانند نامه «بیست و نهم» که در طهارت و مکتوب «سی‌ام» که «در طهارت به عبارتی دیگر» است. این نشان می‌دهد که شیخ در حقیقت نامه‌های خود را به قصد تحریر رسایل می‌نوشت و به بیان دقیق‌تر، مکتوباتِ صدی را باید نه مجموعه‌ای از مکتوبات، بلکه مجموعه‌ای از رسایل شیخ دانست. زین بدر عربی نیز در دیباچه خود بر این اثر، صد مکتوب را رسایل نامیده است: «... به رسایل مذکور فرستادن فرمود» (نسخه 93701 کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر، ۱۰۴۱ ق: اب).

۲-۲-۵ نسخه‌های خطی و عکسی مکتوباتِ صدی

نوشاهی درباره یگانه چاپ عکسی این اثر با عنوان مکتوباتِ صدی: نسخه عهد مصنف، چنین می‌نویسد: «چاپ فاکسیمیل نسخه کتابخانه خدابخش با حواشی مظفر شمس بلخی یا حسین [بن] معز بلخی، معروف به حسین نوشته توحید که از معاصران منیری‌اند» (۱۳۹۱: ۶۷۵). این دست‌نویس ۳۳۴ برگه، از آغاز و انجام افتادگی دارد و به همین سبب نمی‌توان از نام کاتب و تاریخ کتابت سخنی گفت. در باب نسخه‌های خطی نیز با بررسی فهرست کتابخانه‌ها می‌توان دریافت که نزدیک به سی و هفت دست‌نویس از مکتوباتِ صدی به‌صورت کامل و ناقص در کتابخانه‌های مختلف دنیا از جمله ایران، پاکستان، هند، انگلیس، مدینه، قاهره وجود دارد (برای اطلاع از مشخصات نسخه‌شناسی و متن‌شناسی نسخه‌های موجود از مکتوباتِ صدی، نک: تسبیحی، ۱۳۷۸: ۵۸۴-۵۸۶؛ درایتی، ۱۳۸۹: ۱۱۹۸؛ همان، ۱۳۹۳: ۳۶۷؛ مطیع‌الامام، ۱۳۷۲: ۱۷۸؛ منزوی، ۱۳۶۳: ۲۰۱۳-۲۰۱۵؛ همان، ۱۳۴۹: ۱۴۳۶).

درباره نسخه‌های در دسترس نگارندگان - که در بخش منابع نوشتار، مشخصات مختصر نسخه‌شناسی آنها به‌ترتیب سال کتابت آمده است - اطلاعاتی افزون‌بر آنچه در آن منابع وجود دارد، نمی‌توان ارائه داد؛ اما در فهرست‌های نامبرده، از نسخه کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر سخن نرفته است. این نسخه که به لطف دکتر عارف نوشاهی به دست نگارندگان رسید، در کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر، به شماره 93701 نگهداری می‌شود. این دست‌نویس در ۱۲

رجب ۱۰۴۱ هجری و در ۱۰۲ برگ ۳۱ سطری نوشته شده است. عنوان‌های مکتوبات و اشعار و جدول‌بندی به شنگرف است و بالای عبارات عربی هم به شنگرف خط کشیده شده است. حاجی محمد اسحق رضوی خیرآبادی این دست‌نویس را به خط معمولی نستعلیق ریز کتابت کرده و اثری کامل است. از نظر ترتیب صفحات، مرتب است و رکابه دارد. با «بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. سپاس بی‌پایان و ستایش فراوان» آغاز می‌شود و با «قد وقع الفراغ... فی تاریخ اثنا عشر رجب المرجب سنه احدى و اربعين بعد الف من الهجرة» پایان می‌یابد. در ظهر ورق نخست این نسخه چنین آمده است: «اصلی مکتوبات شاه شرف‌الدین یحیی منیری رحمه الله علیه». آثار کهنگی خاصی در ضبط‌های این نسخه دیده نمی‌شود. حرف‌های «پ» و «چ» به صورت امروزی و «گ» به صورت «ک» نوشته شده است.

۲-۲-۶ چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی

بر پایه اطلاع نگارندگان، مکتوبات صدی هشت بار در شبه‌قاره به‌شیوه چاپ سنگی به چاپ رسیده است (برای آگاهی بیشتر نک: نوشاهی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۶۷۴-۶۷۵؛ مشار، ۱۳۳۷: ۱۴۸۷ و نیز همان، ۱۳۵۲: ۳۱۵۷). در ادامه، توصیف ساختاری - محتوایی پنج چاپ در دسترس، به ترتیب سال چاپ بیان می‌شود.

(۱) چاپ نخست با نام مکتوبات صدی در دو جلد به اهتمام منشی جیکوبندها و انتظام یاد علی‌خان کواتهوی در چاپخانه منشی سنت پرشاد وکیل عدالت صاحب آروی به چاپ رسیده است. جلد نخست در صد و شصت و پنج صفحه در سال ۱۲۸۶ هجری و جلد دوم در دویست و شانزده صفحه به تاریخ بیست و دوم ذی‌الحجه سنه ۱۲۸۷ هجری به انتظام یاد علی‌خان (کذا) چاپ شد. این چاپ به خط نستعلیق و گویا به دست دو کاتب به نام‌های یاد علی‌خان کواتهوی در پایان جلد نخست و برکت‌الله خان کواتهوی در پایان جلد دوم نوشته شده است. تاریخ کتابت این چاپ، ۱۲۸۶-۱۲۸۷ هجری است. این چاپ به نسبت، مغلوط است و گاهی ضبط‌ها و عباراتی ارائه می‌دهد که در هیچ‌یک از نسخه‌های کهن و یا دیگر چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی وجود ندارد و به گمان بسیار، افزوده کاتبان است؛ البته به انسجام متن و فهم آن بسیار کمک می‌کند. این چاپ در این مقاله با رمز «K» مشخص شده است.

(۲) چاپ بعد نیز با نام مکتوبات صدی با حاشیه و تنقیح بسیار و درستی مقابله، از جمله نسخه‌های متعدد فاضل اعظم محمد علی اکرم صاحب آروی است که به قطع وزیری بزرگ و به سعی و اهتمام محمد علی بخش‌خان (مالک مطبع) در بیستم جمادی‌الثانی سال ۱۲۸۷ هجری (۱۸۷۰ م) در چاپخانه علوی محمد علی بخش‌خان نقشبندی لکهنو چاپ شده است. گویا این چاپ سیصد و پنجاه و هشت صفحه‌ای نیز از روی نسخه به نسبت کهنی به خط نستعلیق کتابت شده است و هامش‌هایی دارد که گاهی به توضیح یک واژه و نیز گره‌گشایی از برخی عبارات متن بسیار کمک می‌کند. به گمان نگارندگان می‌توان آن را از نظر تصرفات اندک کاتب و غلط‌های نادر آن، بهترین چاپ سنگی مکتوبات صدی نامید. نوشاهی درباره این چاپ می‌نویسد: «در خاتمه طبع آمده است که چاپ این کتاب به اهتمام مولوی محمد علی اکرم آروی در یکی از چاپ‌خانه‌های غیرمعتبر آره... آغاز شد، چند صفحه چاپ شده بود که در هنگام مطالعه، مولوی آروی متوجه شد که اغلاط کثیره مطبعه‌ای راه یافته است، بعداً کتاب را به مطبع علوی سپرد و به اهتمام محمد علی بخش‌خان نقشبندی و به تصحیح و مقابله مولوی محمد معشوق علی چاپ شد؛ صص ۱-۳۳۴ مکتوبات صدی؛ صص ۳۳۵-۳۵۶ رساله در احوال حضرت مخدوم‌الملک تألیف محمد علی اکرم آروی که تلخیصی از مناقب‌الاصفیاء تألیف مخدوم شاه شعیب است» (۱۳۹۱: ۶۷۵). این چاپ در این نوشتار با رمز «H» مشخص شده است.

(۳) چاپ سوم با نام مکتوبات حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری قدس سره در سال ۱۳۰۳ هجری (۱۸۸۵ م) با

اهتمام مولانا محمد ابوالحسن صاحب، در چاپخانه منشی نول کشور لکهنو به چاپ رسیده است. این چاپ در چهارصد صفحه و به خط نستعلیق است. نگارندگان برپایه مطابقت این چاپ‌ها با نسخه‌های کهن دریافته‌اند که این چاپ از روی دست‌نویس شماره 93701 کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر (مورخ ۱۰۴۱ ق) نوشته شده است. این چاپ در این نوشتار با رمز «M» مشخص شده است.

۴) چاپ سنگی چهارم با نام سه صدی مکتوبات (مضامین تصوف و عرفان) در سال ۱۳۱۹ هجری (۱۹۰۲-۱۹۰۱ م) برپایه فرمایش کتب‌خانه اسلامی پنجاب لاهور و به اهتمام مالک و مهتمم در مطبع اسلامی لاهور در پانصد و پنجاه و نه صفحه به خط نستعلیق چاپ شده است. مکتوبات صدی در بخش نخست این چاپ، از صفحات یک تا سیصد، آمده است. در دیباچه چنین آمده است: «آلوده معاصی و مبتلای مکاره دنیا بنده کرم بخش... سعی بلیغ نموده سه صد مکتوبات را طبع کرده». نگارندگان دریافتند که این چاپ به دست‌نویس شماره 93701 کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر (مورخ ۱۰۴۱ ق) بسیار شباهت دارد. گویا کاتب در چاپ سنگی، تصرفات بسیار کرده است؛ اما به سبب داشتن برخی ضبط‌های تازه، در برخی جاها راهگشاست. این چاپ در این نوشتار با رمز «R» مشخص شده است.

۵) آخرین چاپ نیز با نام مکتوبات حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری قدس سره در سال ۱۳۲۹ هجری (۱۹۱۱ م) با اهتمام مولانا محمد ابوالحسن صاحب، در چاپخانه منشی نول کشور کانپور، به سرپرستی منشی پراگ نراین صاحب رای بهادر، مالک مطبع، به اهتمام کامل منشی بهگواند یال صاحب عاقل... (کلمه‌ای ناخوانا) به چاپ رسیده است. در پایان آن نیز قطعه تاریخ چاپ از مولانا محمد حامد علی خان حامد شاه‌آبادی محفظ عملة تصحیح آمده است. این چاپ که در سیصد و یک صفحه و به خط نستعلیق است، ضبط‌هایی دارد که نشان می‌دهد از روی نسخه متأخری نوشته شده است. به سبب تصرفات کاتب و غلط‌های چاپی می‌توان آن را دومین چاپ سنگی مغلوط نامید؛ بنابراین اعتبار چندانی ندارد و تنها ارزش این چاپ در هاشم‌هایی است که در برخی از صفحات در توضیح لغات و یا گرگشایی از برخی عبارات نوشته شده است. این چاپ در نوشتار حاضر با رمز «S» مشخص شده است.

گفتنی است سه چاپ سنگی دیگر از مکتوبات صدی نیز در سال‌های ۱۲۸۷ هجری (۱۸۷۰ م) در چاپخانه سنت پرشاد آره و در ۱۳۰۷ هجری (۱۸۹۰ م) به فرمایش محمد ابوالحسن در چاپخانه نول کشور لکهنو و در سال ۱۳۱۶ هجری (۱۸۹۸ م) در چاپخانه نول کشور کانپور به چاپ رسیده است.

۳- ضرورت تصحیح انتقادی مکتوبات صدی

در چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی کاستی‌های متعددی وجود دارد که بیانگر لزوم تصحیح انتقادی آن است. این کاستی‌ها در دو عنوان «افزوده‌ها در چاپ‌های سنگی» و «اختلافات مهم نسخه‌های کهن مکتوبات صدی با چاپ‌های سنگی» خلاصه می‌شود که در ادامه به نمونه‌هایی از هریک اشاره خواهد شد.

گفتنی است در این جستار، پنج چاپ سنگی نامبرده با نسخه‌های کهن اثر مقایسه شده است. پیداست به سبب اختلاف این چاپ‌ها با یکدیگر، جدول گزارش‌ها نیز متغیر خواهد بود. همچنین انتخاب نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق) به معنای اتفاق همه نسخه‌های خطی کهن و متأخر مکتوبات صدی با این دست‌نویس است و موارد اختلاف، تنها در چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی وجود دارد. ذکر این نکته نیز بایسته است که گاهی به سبب افتادگی در نسخه ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش، از چاپ عکسی پتته (از روی نسخه شماره ۴۹۹۷ کتابخانه خدابخش، سده ۸ ق) استفاده شده است.

۱-۳ افزوده‌ها در چاپ‌های سنگی

به باور نسخه‌پژوهان و متن‌شناسان، احتمال بسیاری وجود داشت که صاحبان یک نسخه و یا مطالعه‌کنندگان آن، مطالبی را از خود به حواشی آن بیفزایند و یا در بین سطور آن دست‌نویس، یادداشتی قرار دهند که به تدریج در نسخه‌نویسی‌های بعدی به متن وارد می‌شد (رک: امیدسالار، ۸۵-۱۳۸۴: ۸). نمونه‌هایی از آنچه بیان شد در برخی از چاپ‌های سنگی مکتوبات وجود دارد که بی‌هیچ ضرورتی به متن افزوده شده است و در هیچ‌یک از نسخه‌های کهن این اثر وجود ندارد. این موارد عبارت است از: افزودن عبارات، افزودن عنوان‌ها به مکتوبات، افزوده‌های شعری.

۱-۱-۳ افزودن عبارات

<p>چاپ‌های سنگی هند مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق (K) و لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)</p>	<p>چاپ عکسی پتینه (سده ۸ ق)</p>
<p>پس او را هرآینه ایمانی دیگر پدید آمد که آن را حقیقت ایمان خوانند. چون حقیقت ایمان پدید آمد، کثرت برخاست، وحدت پیدا گشت (R: کثرت برخاست وحدت پدید گشت)، اما پیش از گردش جز ایمان تقلیدی و حرکت لسانی، بیش (K: پیش) نبود، چنانکه بیشتر خلق بر آن‌اند که این عادت و رسم بود (R: بودند)، نه حقیقت ایمان (رک: ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق، ج ۱، ۱۶؛ ۱۲۸۷ ق: ۱۵؛ ۱۳۱۹ ق: ۱۲).</p>	<p>پس او را هرآینه ایمانی دیگر پدید آمد که آن را حقیقت ایمان خوانند. اما پیش از گردش جز تقلیدی و حرکت لسانی، بیش نبود، چنانکه بیشتر خلق بر آن‌اند (۱۵ر).</p>

گفتنی است افزوده‌های نمونه بالا در چاپ سنگی لاهور مورخ ۱۳۱۹ هجری، در هامش آمده است.

<p>چاپ‌های سنگی هند مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق (K) و لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)</p>	<p>نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)</p>
<p>حق سبحانه تعالی آن برادر را نظری دهد که خود را چنانچه هست، ببند و علمی روزی کناد تا خود را چنانچه هست، بداند (R: که خود را چنانکه هست، بداند)، بفضل و کرمه. چون آن نظر و آن علم دستگیر آید، در دین (K: در او دین) پدید آید. در این خاکدان و منزل اندوهان و بیت‌الاحزان روزی چند که مبتلای و بی‌نوایی، غم مخور (رک: ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق، ج ۱: ۱۲۶-۱۲۷؛ ۱۲۸۷ ق: ۲۱؛ ۱۳۱۹ ق: ۱۰۶)</p>	<p>حق سبحانه و تعالی آن برادر را نظر دهد که خود را چنانچه هست، ببند و علمی روزی کناد تا خود را چنانکه هست، بداند، بفضل و کرمه. در این خاکدان و منزل اندوهان و بیت‌الاحزان روزی چند که مبتلا و بی‌نوایی، غم مخور (۱۲۷ر).</p>

۲-۱-۳ افزودن عنوان به مکتوبات

به برخی از عنوان‌های نامه‌ها در بیشتر چاپ‌های سنگی بدون هیچ ضرورتی عباراتی افزوده شده است که در نسخه‌های کهن وجود ندارد. در واقع این افزوده‌ها خلاصه‌ای از بخش‌های مختلف هر مکتوب است که به صورت عبارات کوتاه به عنوان نامه‌ها افزوده شده است. در این بخش، تنها به آوردن یک نمونه بسنده می‌شود:

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ سنگی هند مورخ ۱۲۸۷-۱۲۸۶ ق (K)	چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)	چاپ سنگی لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)
مکتوب پنجاه [و] سیوم در همت (۱۷۶ پ)	مکتوب پنجاه و سیوم در همت و در فضیلت سه وقت در روز جمعه (ج ۲، ص ۱۰)	مکتوب پنجاه و سوم در همت و فضیلت سه وقت در روز جمعه و خواندن سوره اخلاص و آیت فان تولوا فقل حسبی الله دهگان بار بعد از هر فریضه (ص ۱۶۵)	مکتوب پنجاه و سوم در ذکر همت و فضیلت سه وقت در روز جمعه و خواندن سوره اخلاص و آیت فان تولوا فقل حسبی الله دهگان بار بعد هر نماز و فریضه (ص ۱۴۶)

۳-۱-۳ افزوده‌های شعری

خوانندگان در هنگام مطالعه متون مختلف، گاهی روایات دیگری از داستان‌ها و عبارات‌ها و نیز اشعاری مرتبط با آن متن را در ذهن داشتند که آنها را در حاشیه نسخه می‌افزودند. پس از مدتی برخی کاتبان این افزودگی‌ها را به جایی از آن کتاب که به نظرشان مناسب بود، می‌افزودند و به این ترتیب، افزوده‌ها وارد متن می‌شد (امیدسالار، ۸۵-۱۳۸۴: ۸). تصرفات کاتبان در متن به دو دسته تغییرات عمدی و غیرعمدی تقسیم‌پذیر است. تغییرات عمدی را معمولاً کاتبانی به متن وارد می‌کردند که یا نسخه را برای خود می‌نوشتند و یا، هم نقش کاتب و هم وظیفه مصحح را بر عهده داشتند (همان، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۱۴). این موضوع به‌ویژه در چاپ‌های سنگی مکتوباتِ صدی که کاتب نقش مصحح را نیز بر عهده داشت، بسیار نمود یافته است؛ زیرا کاتبان در چاپ‌های سنگی صد مکتوب، ابیاتی را به متن افزوده‌اند که در دست‌نویس‌های مکتوباتِ صدی وجود ندارد. این اشعار را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱) اشعار سخنوران ایران و شبه‌قاره که پیش از دوره زندگی شیخ منیری در سال ۷۸۲ هجری می‌زیسته‌اند؛ ۲) اشعار گویندگان پس از شیخ؛ ۳) ابیاتی که شاعران آنها را نمی‌شناسیم. به‌یقین، افزوده‌های دسته دوم را کاتبان سده‌های بعد اضافه کرده‌اند. در ادامه ابتدا یک نمونه از دسته نخست آورده می‌شود و سپس به ذکر سه نمونه از دسته دوم بسنده می‌شود.

۳-۱-۳-۱ دسته نخست

برای این دسته به ابیات افزوده شده زیر از حدیقه می‌توان اشاره کرد (رک: سنایی غزنوی، ۱۳۷۴: ۳۱۹-۳۲۱؛ همان، ۱۳۸۲: ۱۰۳) که تنها در چاپ‌های سنگی آمده است:

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی هند مورخ ۱۲۸۷-۱۲۸۶ ق (K) و لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)
هیچ معاملتی و ریاضتی بی علم نبود، چنانکه هیچ نمازی بی طهارت نبود (۱۵۳ ر).	هیچ معاملتی و ریاضتی بی علم نبود، چنانکه هیچ نمازی بی طهارت نبود. از اینجاست که گفت: (H: رباعی) علم نر آمد و عمل ماده/ دین و دنیا بدو شد آماده/ کار بی علم بار و بر ندهد/ تخم بی مغز هم ثمر ندهد (رک: ۱۲۸۷-۱۲۸۶ ق، ج ۲: ۲۱-۲۲؛ ۱۲۸۷ ق: ۱۷۳).

گفتنی است این دو بیت تنها در هامش برگ ۱۷۴ چاپ عکسی پتینه (از روی نسخه شماره ۴۹۹۷ کتابخانه خدابخش، سده ۸ هجری) به خط دیگر آمده است: «گفت مثنویات علم نر آمد و عمل ماده/ دین و دنیا بدو شد آماده/ کار بی علم بار و بر ندهد/ تخم بی مغز هم ثمر ندهد».

۳-۱-۲ دسته دوم

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ سنگی لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)
خداوندا! هرگاه که مرا عذاب کنی، به هرچه خواهی کن، به حجاب خودم عذاب مکن (۲۰۷پ).	خداوندا! هرگاه که مرا عذاب کنی، به هرچه خواهی کن، به حجاب خودم عذاب مکن گناهم را عذابی باید از دوزخ فزون ترسم / که سوزندم به داغ هجر فردای قیامت هم (ص ۱۷۱)

این بیت به همین صورت در *ریاض‌العارفین* به نام ذوقی کاشانی (متوفی ۹۶۹ ق)، شاعر معاصر شاه طهماسب صفوی، و در *ریاض‌الشعراء* نیز به او - نامش در آنجا محمد امین ذوقی ثبت شده است - نسبت یافته (رک: هدایت، ۱۳۸۵: ۴۰۰؛ واله داغستانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۵۳۷) و پیداست کاتب آن را به چاپ سنگی لاهور افزوده است.

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)	چاپ سنگی لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)
و مقصود و مراد طالبان از حج خانه، خداوند خانه است، نه خانه، اما خانه در میان، بهانه (۱۱۱پ).	و مقصود و مراد طالبان از حج خانه، خداوند خانه است، نه خانه، اما خانه در میان (هامش: ن دار (کذا) میانه)، بهانه است. (هامش: نسخه زائد چنانکه گفته‌اند: نظم حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار / او خانه همی جوید و من صاحب خانه / مقصود من از کعبه و بتخانه تو بودی / مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه) (ص ۱۰۸).	و مقصود و مراد طالبان از حج خانه، خداوند خانه است، نه خانه، اما خانه در میان، بهانه است. گه معتکف دیر و گه ساکن کعبه / مطلوب من از کعبه و بتخانه تویی (کذا) // یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه / مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه (ص ۹۳).

این ابیات از غزل معروف خیالی بخارایی، از شاعران سده نهم هجری و معاصر الغیبیگ (حک: ۸۵۰-۸۵۳ ق) به‌گزین شده (رک: بخارایی، ۱۳۵۲: ۲۴۰-۲۴۱) و به‌اشتباه به هلالی جغتایی (متوفی ۹۳۶ ق) نیز منسوب است (رک: هلالی جغتایی، ۱۳۶۸: ۱۷۷). تنها یک بیت در هامش نسخه ۴۰۵۵ گنج‌بخش به خط دیگر به صورت «مقصود من از کعبه بتخانه (کذا) تو بودی / مقصود تویی کعبه بتخانه بهانه» آمده (رک: سده ۹ ق: ۱۸۶ر) که در چاپ سنگی لاهور به متن افزوده شده است.

همچنین به نظر می‌رسد هرچند بی‌تردید خیالی بخارایی سراینده این غزل است، ابیات بالا از غزل موجود در *دیوان* هلالی - که سه بیت افزون‌بر غزل پنج‌بیتی *دیوان* خیالی دارد - انتخاب شده و از آن به دو چاپ سنگی راه یافته است؛ زیرا دو بیت موجود در چاپ سنگی هند به همین صورت در *دیوان* هلالی نیز آمده است و ابیات چاپ سنگی لاهور نیز با تقدم و تأخر در مصراع‌های غزل، به همان صورت در *دیوان* او وجود دارد.

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)
چیزی که پدرت به دانه گندم فروخت، چه کرا کند تو را که رخت آنجا نهی؟ والسّلام (۱۸۷پ).	چیزی که پدرت به دانه گندم فروخت، چه گرا می‌کند (کذا) تو را که رخت آنجا (R: اینجا) نهی؟ بیت (R - بیت) پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت / من که باشم که جهان را به جوی نفروشم والسّلام (رک: ۱۲۸۷ ق: ۱۷۵؛ ۱۳۱۹ ق: ۱۵۴).

بی‌تردید این بیت، با توجه به نگارش مکتوباتِ صدی در سال ۷۴۷ هجری، افزوده کاتبان است؛ زیرا بر مبنای نسخه‌های کهن و متأخر مکتوبات، شیخ منیری اشعار خواجه شیراز را در هیچ‌یک از صد مکتوب خود نیآورده است و چند بیتی که از حافظ در چاپ‌های سنگی وجود دارد، همگی افزوده کاتبان است. دلیل این سخن را در *ثمرات‌القدس من شجرات‌الانس* می‌توان یافت. لعلی بدخشی (۹۶۸-۱۰۲۲ ق) پس از ترجمه حال شرف‌الدین منیری، گزیده‌ای از برخی مکتوبات او را نقل می‌کند. او در جایی بخشی از مکتوب چهل و نهم شیخ را می‌آورد. آن نامه در اثر او با بیتی از حافظ به این شکل پایان می‌یابد: «آن ذره خاک بی‌باک، دست نیاز از آستین فقر فاقه بیرون آورد و آن بار امانت به جان گرفت و از دو عالم به ذره‌ای نیندیشید. گفت: «مرا چیست که از من بستانند؟ هر چیز را [که] خوار کنند، در خاک مالند، خاک را در چه مالند؟» مردانه پیش آمد و باری که اهل هفت آسمان و زمین نکشیدند، بر خود نهاد و نعره هل من مزید می‌زد. خواجه حافظ:

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه کار به نام من دیوانه زدند

(لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۹۴۰)

حال آنکه در نسخه‌های مکتوباتِ صدی و حتی در چاپ‌های سنگی، پس از عبارت «و نعره هل من مزید می‌زد»، واژه «والسلام» آمده و مکتوب پایان یافته است.

محمد افشین وفایی نیز بر این باور است استشهد به ابیات حافظ در آثار فارسی شبه‌قاره، از اواسط سده نهم هجری آغاز شد و به آرامی رونق گرفت. او برخی از قدیمی‌ترین آثار تألیف‌شده در شبه‌قاره یاد می‌کند که ابیاتی را از حافظ نقل کرده‌اند و نخست از مکتوبات اشرفی (تألیف: پیش از سال ۸۰۸ یا ۸۳۲ ق) و سپس از *جواهرالاسرار* آذری طوسی (تألیف: ۸۴۰ ق) نام می‌برد (رک: ۱۳۹۲: ۱۷). این گواهی دیگر برای ادعای نگارندگان است که افزوده‌های شعری و از آن جمله، اشعار حافظ در مکتوباتِ صدی، در سده‌های بعد به تدریج آغاز شده و در چاپ‌های سنگی به اوج رسیده است.

۲-۳ اختلافات مهم نسخه‌های کهن مکتوباتِ صدی با چاپ‌های سنگی

نسخه‌های کهن مکتوباتِ صدی گویای اختلافات مهم و اساسی میان آنها و نسخ متأخر و به‌ویژه چاپ‌های سنگی اثر است. این موارد به دو دسته واژه‌ها و عبارات تقسیم می‌شود که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است.

۱-۲-۳ واژه‌ها

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و لکهنو مورخ ۱۳۰۳ ق (M) و کانپور مورخ ۱۳۲۹ ق (S)
اگر نظر من و تو بر وحشت جهل و بت نفس خود افتد، هرگز دعوی مسلمانی نکنیم و آن آنگاه توانی دید که قطره‌ای از قلدح شرع در دهن روزگارت افتد و دیده دلت گشاده شود (۱۷۰ر).	اگر نظر من و تو بر وحشت جهل و بت نفس خود افتد، هرگز دعوی (S: دعوی) مسلمانی نکنیم و آن آنگاه توانی دید که قطره‌ای از (S M: قطره نور) قلدح شرع در دهن روزگارت افتد و دیده دلت (H: دولت؛ S M: دولت) گشاده شود (رک: ۱۲۸۷ ق: ۱۵۹؛ ۱۳۰۳ ق: ۱۸۴؛ ۱۳۲۹ ق: ۱۴۱)

«دیده دل» تصویری رایج در ادبیات صوفیانه است که نمونه‌ای از آن در *کشف‌الاسرار* برای شاهد بیان می‌شود: «عارفان را در دیدار سه است: دیده سر بیند و آن لذت را است؛ دیده دل بیند و آن معرفت را است؛ دیده جان بیند و

آن مشاهدت را است» (نک: میبیدی، ۱۳۸۲: ۳۷۸)؛ بنابراین ضبط چاپ‌های سنگی مفید معنا نخواهد بود.

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی هند مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق (K) و لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)
و از جهل، زهر نفس را غیرت دین نام نهد و از حمت و نادانی، عز نفس را صلابت شرع گوید (۱۷۲پ).	و از جهل، زهر نفس را غیرت دین نام نهد و از حمت و نادانی، غیر نفس را صلابت شرع گوید (رک): ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق، ج ۲: ۵؛ ۱۲۸۷ ق: (۱۶۱)
و اگر خواهد به یک لمحہ هزار هزار کافر را مؤمن گرداند (۲۰۹ر).	و گر خواهد که به یک لحظه هزارهزار کافر را مؤمن گرداند (رک: همان: ۵۴؛ همان: ۱۹۵).

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی هند مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق (K) و لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)
و این کوس دولت بر درگاه او زند که «مَن طَلَبِنِي وَجَدْتِي» (۱۶۸ر).	و این کوس دولت (K: انبکوش (کذا) دولت: H: کوس طلب: R: کفس (حرف دوم بی نقطه) طلب) بر درگاه او زند که «مَن طَلَبِنِي وَجَدْتِي» (رک: ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق، ج ۱: ۱۶۳؛ ۱۲۸۷ ق: ۱۵۷؛ ۱۳۱۹ ق: ۱۳۹)

این عبارت در ثمرات‌القدس اینگونه آمده است: «کوس دولت سرمدی بر درگاه او زند» (لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۹۴۰).

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R) و کانپور مورخ ۱۳۲۹ ق (S)
بگو: «یا مالک! تو مقمع قهر بر سر فضول ما می‌زن و ما در طلب قدمی می‌زنیم (۱۶۸ر).	بگو: «یا مالک! تو مقمع (H: چقمار مقرر (هامش: مقرر چاپک ۱۲): R: چقماز مقرر) قهر بر سر فضول ما می‌زن و ما در طلب قدمی می‌زنیم (S: قدمی می‌رفت) (رک): ۱۲۸۷ ق: ۱۵۷؛ ۱۳۱۹ ق: ۱۳۸؛ ۱۳۲۹ ق: ۱۳۹).

این گزاره در روح‌الارواح که شیخ منیری از آن بسیار تأثیر پذیرفته، به این صورت است: «گو: یا مالک اینک فرق ما فدای مقام قهر شما، مقمعه قهر بر سر فضول ما می‌زند تا ما در دریای طلب غواصی می‌کنیم» (سمعانی، ۱۳۶۸: ۲۶۹). همچنین به ترتیب در ثمرات‌القدس و در چاپ سنگی فواید رکنی به این صورت آمده است: «و با مالک گویی که ای مالک، تو قهر خود بر سر فضول ما فرود آر که ما در طلب قدمی می‌زنیم» (لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۹۴۰)؛ «بگو: یا مالک! مقرر قر (کذا) بر سر فضول ما می‌زن و ما در طلب قدمی می‌زنیم» آمده است (رک: منیری، ۱۳۲۸ ق: ۷).

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی هند مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق (K) و لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)
یک ساعت تفکر به منزله شصت ساله عبادت است و آن، تفکر در دین و احوال آفرینش و فایده‌جستن از حکمت صنعت است (۲۰۲پ).	یک ساعت تفکر به منزله (K H: بهتر از) شصت ساله عبادت است و آن، تفکر در دین و احوال آفرینش و فایده‌جستن از حکمت صفت (R: صفت) است (رک): ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق، ج ۲: ۴۵؛ ۱۲۸۷ ق: ۱۸۹؛ ۱۳۱۹ ق: ۱۶۷).

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R) و کانپور مورخ ۱۳۲۹ ق (S)
و این طایفه [مرتبه] هرکسی را به خدمت و زیادتى صحبت و اهلیت... و ریاضت مشایخ و تربیت ایشان و سفر و طول عمر اعتبار کند، نه به نسبت، و نسب را هیچ اعتبار نهند، مگر فرزندان رسول را علیه‌السلام و مشایخ‌زادگان را (۲۴۶ر).	و این طایفه مرتبه هرکسی را به خدمت و زیادتى صحبت و اهلیت و ریاضت مشایخ و تربیت (S: ترتیب) ایشان و سفر و طول عمر اعتبار کنند، نه به نسبت (R H: نیت)، و نسب را هیچ اعتبار نهند، مگر فرزندان رسول علیه‌السلام و مشایخ‌زادگان را (رک: ۱۲۸۷ ق: ۲۲۷؛ ۱۳۱۹ ق: ۱۶۷؛ ۱۳۲۹ ق: ۲۰۳)

۳-۲-۱ ضبط‌های نادرست در نقل اشعار

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی لکهنو ۱۲۸۷ ق (H) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)
تا بر سر کوی عشق تو منزل ماست / سر دو جهان به جمله کشف دل ماست (۸پ)	تا بر سر کوی عشق تو منزل ماست / هر دو جهان به جمله کشف دل ماست (رک: ۱۲۸۷ ق: ۴۷؛ ۱۳۱۹ ق: ۴۱)
بی‌نیازیش را چه کفر [و] چه دین / بی‌زبانیش را چه شک چه یقین (۲۶۲ر)	بی‌نیازیش را چه کفر و چه دین / بی‌ربانیش را چه شک چه یقین (رک: همان: ۲۴۲؛ همان: ۲۱۶)

این بیت در حدیقه (چاپ مدرس رضوی) به صورت «بی‌نیازیش را چه کفر و چه دین / بی‌زبانیش را چه شک چه یقین» (رک: سنایی غزنوی، ۱۳۷۴: ۹۰) و در چاپ مریم حسینی به صورت «بی‌زبانیش را چه کفر و چه دین / بی‌نیازیش را چه شک چه یقین» آمده است (رک: همان، ۱۳۸۲: ۲۱). گفتنی است تنها در برگ ۲۴۶پ چاپ عکسی پتینه (از روی نسخه شماره ۴۹۹۷ کتابخانه خدابخش، سده ۸ هجری)، «بی‌زبانیش» در مصرع دوم، به صورت «بی‌زبانیش» آمده است.

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)	چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۳۰۳ ق (M)	چاپ سنگی لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)	چاپ سنگی کانپور مورخ ۱۳۲۹ ق (S)
ای کرده غمت غارت هوش دل ما / درد تو زده (با دستکاری: شده) خانه فروش دل ما (۴۷ر)	ای کرده غمت غارت هوش دل ما / درد تو زده خانه‌به‌دوش دل ما (هامش: درد تو زده خانه‌خروشی دل ما) (ص ۴۵)	ای کرده غمت غارت هوش دل ما / درد تو زده خانه فروش دل ما (ص ۵۱)	ای کرده غمت غارت هوش دل ما / درد تو زده خانه‌به‌دوش دل ما (ص ۳۹)	ای کرده غمت غارت هوش دل ما / درد تو زده خانه فروش دل ما (ص ۴۰)

این بیت از یک رباعی سروده نجم دایه است و در دو فصل از باب سوم مرصادالعباد به صورت «ای کرده غمت غارت هوش دل ما / درد تو زده خانه‌فروش دل ما» آمده است (رک: نجم رازی، ۱۳۶۵: ۱۹۷ و ۳۱۲).

۲-۲-۳ عبارتها

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی هند مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق (K) و لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و کانپور مورخ ۱۳۲۹ ق (S)
از شیخ بوعلی سیاه نقل است رحمه الله که گفته: «من نفس را به صورت خود دیده‌ام که یکی موی وی را بگرفته بود [و] به من داد و من او را بر درختی بستم و قصد هلاک او کردم.» گفت: «یا اباعلی! خود را مرنجان، که من لشکر خدایم، تو مرا کم نتوانی کرد.» (۲۷۷پ).	از شیخ بوعلی سیاه نقل است رحمه الله که گفت (K): گفت (از): «من نفس را به صورت خوک (S: خاک) دیده‌ام که یکی موی وی را بگرفته بود و به من داد و من او را (K: به من داد میان) بر درختی بستم و قصد هلاک او کردم.» گفت: «یا اباعلی! خود را مرنجان، که من لشکر خدایم، تو مرا کم نتوانی کرد.» (K: تو مرا الم نتوانی رسانید؛ H: تو مرا گم نتوانی کرد) (رک: ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق، ج ۲: ۱۳۱؛ ۱۲۸۷ ق: ۲۵۵؛ ۱۳۲۹ ق: ۲۲۸).

شیخ منیری در مکتوبی که این حکایت را در جایی از آن آورده، بسیار از کشف‌المحجوب تأثیر پذیرفته و گویا مأخذ او هم در نقل این حکایت، کتاب هجویری است. حال آنکه در دو چاپ کشف‌المحجوب، عبارت ابتدا و پایانی حکایت به اینگونه آمده است: «من نفس را بدیدم به صورتی مانند صورت من... تو مرا کم نتوانی کرد» (رک: هجویری ۱۳۸۹: ۳۰۹؛ همان، ۱۳۷۱: ۲۵۹). هرچند در نسخه ۱۴۷۱۳ گنج‌بخش (۲۰۸پ)، برگ ۲۶۱ر چاپ عکسی پتینه (از روی نسخه شماره ۴۹۹۷ کتابخانه خدابخش، سده ۸ هجری) و نسخه ۹۳۷۰۱ کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر (۱۰۴۱ ق: ۳۹)، به جای «صورت من»، «صورت خوک» هم آمده و تنها در کشف‌المحجوب (چاپ ژوکوفسکی)، «صورت زن» نیز در پانویشت گزارش شده است (هجویری، ۱۳۷۱: ۲۵۹)، اما بی‌شک «صورت خاک» در چاپ سنگی کانپور ضبطی اشتباه است.

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی هند مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق (K) و لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و لکهنو مورخ ۱۳۰۳ ق (M) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R) و کانپور مورخ ۱۳۲۹ ق (S)
و گروهی گویند: «انسان جز روح نیست»، و این خطاست، که روح اندر قالب ستور هست و او را انسان نخوانند (۲۷۶ر).	و گروهی گویند: «انسان جز روح نیست»، و این خطاست، که روح اندر قالب مستور (K: مستود) هست و او را انسان نخوانند (رک: ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق، ج ۲: ۱۳۰؛ ۱۲۸۷ ق: ۲۵۴؛ ۱۳۰۳ ق: ۳۰۶-۳۰۷ و ۱۳۱۹ ق: ۲۲۶-۲۲۷؛ ۱۳۲۹ ق: ۲۲۷-۲۲۸).

این گزاره در کشف‌المحجوب - که شیخ منیری در یکی از نامه‌های خود بسیار از آن تأثیر پذیرفته - اینگونه آمده است: «و دیگر آن که جان نیز در قالب ستوران موجود است و ایشان را انسان می‌نخوانند» (رک: هجویری ۱۳۸۹: ۲۹۸).

نسخه شماره ۱۳۹۲۶ گنج‌بخش (سده ۸ ق)	چاپ‌های سنگی هند مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق (K) و لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)
و از دعوی دور باش، که بساط عزت ربوبیت، بساطی است که هرکه به حاشیه آن بساط رسید، همه دعوی‌هاش برسد (۱۱۴ر).	و از دعوی دور باش، که بساط عزت ربوبیت، بساطی است که هرکه به حاشیه آن بساط رسید، همه دعوی‌هاش برسد (K: پرید؛ H: حرف نخست بی‌نقطه)؛ R: برید) (رک: ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق، ج ۱: ۱۱۵؛ ۱۲۸۷ ق: ۱۰۹-۱۱۰ و ۱۳۱۹ ق: ۹۵)

نتیجه سخن آنکه، همان‌گونه که در بخشی از این نوشتار، از چاپ‌های سنگی و یک چاپ عکسی گفته شد، هیچ‌کدام از این چاپ‌ها معتبر نیست. چاپ عکسی مکتوباتِ صدی با دو دست‌نویس (خ = مخطوطه مکتوباتِ صدی HL1392، ط = مطبوعه مکتوباتِ صدی HL4297) (منیری، ۱۹۹۴: ۷۷۱) مقابله شده است؛ اما با توجه به ثبت ناقص نسخه‌بدل‌ها (همان: ۷۷۱-۸۰۴) و نیز با وجود نسخه‌های کهن کتاب که در سده هشتم هجری نگارش شده است (رک: تسییحی، ۱۳۷۸: ۵۸۴-۵۸۵)، ضرورت تصحیح انتقادی این اثر بیشتر آشکار می‌شود. بنابراین می‌توان گفت چاپ‌های سنگی و عکسی مکتوباتِ صدی کمابیش از روی تک‌نسخه‌ای است که ارزشی بیش از معرفی آن دست‌نویس را نیافته است و هنوز متن نهایی مکتوبات در اختیار ما نیست. با فراهم‌آمدن چنین متنی درباره‌ی آرا و تأثیرات منیری بهتر و دقیق‌تر می‌توان سخن گفت.

۴- نتیجه‌گیری

مکتوباتِ صدی مهم‌ترین اثر تعلیمی و پارسی شرف‌الدین منیری، پرتألیف‌ترین شیخ طریقه کبرویه فردوسیه، است. این اثر یکی از بنیادی‌ترین آثار در حوزه تصوف شبه‌قاره به شمار می‌رود و با آن می‌توان به نظریه‌های صوفیانه شیخ و شیوه سیر و سلوک او پی برد. در واقع اندیشه‌های شیخ منیری و نیز طریقه کبرویه فردوسیه و تعلیمات مشایخ آن در این اثر بازتاب یافته است. البته همه این اهداف در گرو فراهم‌آوردن متن علمی دقیق و انتقادی از مکتوباتِ صدی است؛ زیرا سال‌ها از چاپ‌های سنگی مغلوط مکتوبات می‌گذرد و اینگونه چاپ‌ها و نیز چاپ نسخه‌برگردان آن، هریک با یکدیگر و نیز با نسخه‌های کهن این اثر، اختلافات مهم و تأمل‌برانگیزی در ضبط واژه‌ها و عبارات‌ها دارد. افزوده‌های بدون ضرورت که به چاپ‌های سنگی راه یافته و تحریفات و تصحیفات بسیاری که نتیجه رونویسی چاپ‌های سنگی از نسخه‌های متأخر مکتوباتِ صدی است، ضرورت تصحیح انتقادی این اثر را بیشتر نشان می‌دهد. در این نوشتار نمونه‌هایی از اختلافات مهم و تأمل‌برانگیز چاپ‌های سنگی با نسخه‌های کهن مکتوباتِ صدی آورده شد تا لزوم تصحیح انتقادی اثر آشکار شود.

منابع

- ۱- افشین وفایی، محمد (۱۳۹۲). «حافظ در شبه‌قاره»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره*، جلد سوم، زیر نظر گروه شبه‌قاره، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۷-۲۸.
- ۲- امیدسالار، محمود (۱۳۸۹). *سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۳- ----- (۱۳۸۴-۸۵). «علامه قزوینی و فن تصحیح متن»، *نامه بهارستان*، سال ششم، شماره اول - دوم، دفتر ۱۱-۱۲، ۱۸۹-۲۰۶.
- ۴- بخارایی، خیالی (۱۳۵۲). *دیوان خیالی بخارایی*، تصحیح عزیز دولت‌آبادی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- ۵- تسییحی، محمدحسین (۱۳۷۸). *فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش*، پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و اس. تی. پرنترز.
- ۶- حاجتی، حمیده (۱۳۸۰). «شرف‌الدین منیری»، *دانشنامه ادب فارسی (ادب فارسی در شبه‌قاره)*، ج ۴، بخش دوم، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۵۰۸-۱۵۰۹.

- ۷- الحسنی، عبدالحی بن فخرالدین (۱۳۵۰ق). *نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، الجزء الثانی*، طبع تحت مراقبه الدكتور محمد عبدالعمید خان مدیر دایرةالمعارف العثمانیه، حیدرآباد الدکن - الهند: مجلس دایرةالمعارف العثمانیه.
- ۸- دبیران، حکیمه (۱۳۸۵). «پژوهشی در مکتوبات شرف الدین منیری»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال ۱۴، شماره ۵۲ و ۵۳، ۶۵-۴۵.
- ۹- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). *فهرست واره دستنوشته‌های ایران (دنا)*، ج ۹، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۰- ----- (۱۳۹۳). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، ج ۳۱، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۱- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰). *انواع نثر فارسی*، تهران: سمت.
- ۱۲- سمعانی، شهاب‌الدین ابوالقاسم احمد (۱۳۶۸). *روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتاح*، تصحیح و توضیح نجیب مایل هروی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۳- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۲). *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه (فخری‌نامه)*، با تصحیح و مقدمه مریم حسینی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۴- ----- (۱۳۷۴). *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵- طهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۳ ق / ۱۹۷۸ م). *الدریعه إلی تصانیف الشیعه*، القسم الثانی من الجزء التاسع، بیروت: دارالاضواء.
- ۱۶- عین‌القضات، عبدالله بن محمد (۱۳۶۲). *نامه‌های عین‌القضات همدانی*، جلد اول، به اهتمام علی‌نقی منزوی و عقیف عسیران، تهران: منوچهری و زوار.
- ۱۷- فاروقی، ابراهیم قوام (۱۳۸۵). *شرفنامه منیری یا فرهنگ ابراهیمی*، ج ۱، مقابله نسخ، تصحیح مقدمه و تعلیقات از حکیمه دبیران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۸- فردوسی، شاه شعیب (۱۳۱۳ ق / ۱۸۹۵ م). *مناقب الاصفیاء*، [چاپ سنگی]، به اهتمام فقیر محمد بشیر، کلکته: نورالآفاق.
- ۱۹- لعلی بدخشی، میرزا لعل بیگ (۱۳۷۶). *ثمرات القدس من شجرات الانس*، تصحیح سید کمال سیدجوادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۰- مشار، خانابا (۱۳۳۷). *فهرست کتابهای چاپی فارسی*، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۱- ----- (۱۳۵۲). *فهرست کتابهای چاپی فارسی از آغاز تا آخر سال ۱۳۴۵ براساس فهرست خانابا مشار و فهارس انجمن کتاب*، جلد دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۲- مطیع‌الامام، سید (۱۳۷۲). *شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری و سهم او در نشر متصوفانه فارسی*، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۲۳- منزوی، احمد (۱۳۴۹). *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، ج ۲ و ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای (R.C.D).
- ۲۴- ----- (۱۳۶۳). *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*، ج ۳، پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی

ایران و پاکستان.

۲۵- ----- (۱۳۵۷). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، ج ۲، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

۲۶- منیری، شرف‌الدین احمد بن یحیی، مکتوباتِ صدی، اسلام‌آباد: کتابخانه گنج‌بخش، شماره ۱۳۹۲۶ [نسخه خطی]، تاریخ کتابت سده ۸ ق.

۲۷- -----، مکتوباتِ صدی، اسلام‌آباد: کتابخانه گنج‌بخش، شماره ۱۴۷۱۳ [نسخه خطی]، تاریخ کتابت سده ۸ ق.

۲۸- -----، مکتوباتِ صدی، اسلام‌آباد: کتابخانه گنج‌بخش، شماره ۴۰۵۵ [نسخه خطی]، تاریخ کتابت سده ۹ ق.

۲۹- ----- (۱۹۹۴ م / ۱۳۷۳ ش). مکتوباتِ صدی، نسخه عهد مصنف [چاپ عکسی]، (صفحه‌شمار گوناگون)، پتنه: خدابخش اورینتل پبلک لائبریری.

۳۰- -----، مکتوباتِ صدی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۷۵۸۶ [نسخه خطی]، بدون تاریخ کتابت [احتمالاً سده ۹ ق].

۳۱- -----، مکتوباتِ صدی، کشمیر: کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر، شماره 93701 [نسخه خطی]، تاریخ کتابت ۱۰۴۱ ق.

۳۲- -----، مکتوباتِ صدی، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. شماره ۲۶۱۷ [نسخه خطی]، تاریخ کتابت سده ۱۱ ق.

۳۳- ----- (۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق). مکتوباتِ صدی، [چاپ سنگی]، ۲ جلد، به اهتمام منشی جیکوبندها و انتضام یاد علی، هند: مطبع منشی سنت پرشاد صاحب آروی.

۳۴- ----- (۱۲۸۷ ق / ۱۸۷۰ م). مکتوباتِ صدی، [چاپ سنگی]، با تصحیح و مقابله و تحشیه محمد علی اکرم صاحب آروی (د. پس از ۱۳۰۶)، به سعی و اهتمام محمد علی بخش‌خان (مدیر مطبع)، لکهنو: مطبع علوی.

۳۵- ----- (۱۳۰۳ ق / ۱۸۸۵ م)، مکتوباتِ حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری قدس سره، [چاپ سنگی]، حسب تحریک جناب مولانا محمد ابوالحسن صاحب، لکهنو: مطبع منشی نول کشور.

۳۶- ----- (۱۳۱۹ / ۱۹۰۲-۱۹۰۱ م). سه صدی مکتوبات (مضامین تصوف و عرفان)، [چاپ سنگی]، لاهور: مطبع اسلامی، کتب‌خانه اسلامی پنجاب.

۳۷- ----- (۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م). مکتوباتِ حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری قدس سره، [چاپ سنگی]، حسب تحریک جناب مولانا محمد ابوالحسن صاحب، کانپور: مطبع منشی نول کشور.

۳۸- ----- (۱۳۲۸ ق). فواید رکنی یعنی ملفوظات قطب المشایخ حضرت شرف الحق یحیی منیری، [چاپ سنگی]، حسب فرمایش احمد علی شاه قادری نقشبندی اورنگ‌آبادی عفی عنه، به اهتمام سید محمد محسن، مالک مطبع و برادر سید محمد سلطان عاقل دهلوی، زیر نگرانی سید مظهر عباس هوهانی، بی جا: مطبع برهانیه واقع چَهَنَه بازار.

- ۳۹- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۸۲). کشف الاسرار و عدّه الأبرار، ج ۷، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.
- ۴۰- نجم رازی، عبدالله بن محمد (۱۳۶۵). مرصاد العباد، به اهتمام محمدمین ریاحی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴۱- نفیسی، سعید (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج ۲، تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۴۲- نوشاهی، عارف (۱۳۹۱). کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش) از ۱۱۶۰-۱۳۸۶ هـ ش / ۱۱۹۵-۱۴۲۸ هـ / ۱۷۸۱-۲۰۰۷ م، ج ۱، تهران: میراث مکتوب.
- ۴۳- واله داغستانی، علیقلی خان (۱۳۹۱). تذکره ریاض الشعرا، جلد اول، تصحیح و مقدمه و فهرست‌ها از ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۴۴- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۸۹). کشف‌المحجوب، مقدمه و تصحیح و تعلیقات از محمود عابدی، تهران: سروش.
- ۴۵- ----- (۱۳۷۱). کشف‌المحجوب، تصحیح و ژوکوفسکی، با مقدمه قاسم انصاری، تهران: کتابخانه طهوری.
- ۴۶- هدایت، رضاقلی بن محمد هادی (۱۳۸۵). تذکره ریاض العارفین، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۴۷- هلالی جغتایی، بدرالدین (۱۳۶۸). دیوان هلالی جغتایی با شاه و درویش و صفات‌العاشقین او، تصحیح و مقابله و مقدمه و فهرست از سعید نفیسی، تهران: سنایی.